

## دلوران رزمنده خلق



یادی از رفیق معلم پیرمحمد :

### آن عاشقان شرزه

آن عاشقان شرزه، که با شب نزیستند  
رفتند و شهر خفته ندانست کیستند  
فریاد شان تموج شط حیات بود  
چون آدرخش در سخن خویش زیستند  
مرغان پر کشوده توفان که روز مرگ  
دریا و موج و سخره بریشان گریستند.  
می گفتم ای عزیز! "سترون شده ست خاک."  
اینک ببین برابر چشم تو چیستند:  
هر صبح و شب به غارت توفان روند و باز  
باز، آخرین شقایق این باغ نیستند.  
شفیعی کدکنی

رفیق معلم پیرمحمد در سال 1329 در قریه چندالبائی ولسوالی پغمان مربوط ولایت کابل متولد گردید. مشارالیه دوره ابتدائی را در مکتب ابتدائیه پغمان که بعدها به لیسه پغمان ارتقا یافت، سپری نمود. بعد از فراغت صنف ششم در سال 1344 شامل لیسه عالی حبیبیه شد. موصوف یکی از شاگردان ممتاز و زحمتمکش آن دوران بود که لحظه از آموزش و کسب علم غفلت نمی ورزید. در سال 1349 زمانی که از صنف دوازدهم فارغ التحصیل شد، خانواده مذکور به مشکلات بزرگ اقتصادی مواجه گردید و پیرمحمد نتوانست به تحصیلات عالی خویش در پوهنتون ادامه دهد و مجبور شد شامل وظیفه شود تا فامیل را اعاشه و ایاتنه نموده

و مشکلات اقتصادی شان را مرفوع نماید. ناگزیر به حیث معلم در مکتب متوسطه خواجه مسافر مقرر گردید. معلم پیر محمد با تأثیر پذیری از مبارزات انقلابی جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) به اندیشه های مترقی آشنا شده و به اندک زمانی به یک شعله ای واقعی و مبارز مبدل گردید که در نظر و عمل بر ضد رژیم ملاک کمپرادور سلطنتی، جمهوری قلابی داوود باندهای وطن فروش و خائن خلق و پرچم و اخوان مبارزه نمود و مکتب خواجه مسافر را با همزمان دیگرش زنده یاران رفیق بصیر اخگر و رفیق قاری ابوبکر مدتی به کانون مبارزات انقلابی جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) تبدیل نموده و نقش مؤثری در تربیت ایدئولوژیک - سیاسی جمعی از روشنفکران فعال در جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) ایفاء نمودند. رفیق پیر محمد یکی از شعله ای های مبارز، اصولی و صادق بود. از انقلابیگری خرده بورژوائی و خود نمائی های روشنفکرانه متنفر و به کار مخفی و تشکیلاتی ارج بزرگ قایل بود. با رفیقان و روشنفکران انقلابی و مردمی برخورد رفیقانه داشت از شهرت طلبی، دروغ گوئی و لاف و پتاق روشنفکرانه نفرت داشت. زندگی توده ای و مردمی را بزرگترین افتخار میدانست. بارقا، دوستان، و مردم عادی به زبان ساده و مردمی سخن میگفت و پرده از چهره دشمنان خلق بر میداشت. بادر یغ و درد که بعد از کودتای ننگین و منحوس 7 ثور 1357 که باندهای وطن فروش، جاسوس و خائن خلق و پرچم به کمک دولت سوسیال امپریالیستی شوروی روی کار آمدند. رفیق معلم پیر محمد را نیز مانند هزاران انقلابی و مبارز دیگر دستگیر نموده و بعد از شکنجه های وحشیانه و فاشیستی اعدام نمودند. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد. رفیق معلم پیر محمد مانند انقلابیون دیگر به جاودانگی پیوست اما خاطره نیکو و انقلابی اش با خط قرمز در تاریخ مبارزات جنبش انقلابی خلق افغانستان در ج گردیده است.

یادآوری از دلاوران مبارز و جان باخته خلق افغانستان بخاطر آن صورت میگیرد که تا یاد این عزیزان گلگون کفن را که بر ضد سیستم غارتگر و کثیف سرمایه داری امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی مبارزه نمودند، گرامی بداریم و مشعل پر افتخار مبارزاتی آنها را به دوش انداخته و در راهی که با خون آنها رنگین شده است به پیش رویم و پرده از چهره های تسلیم طلبان فرومایه، مزدوران و وطن فروشان خلقی، پرچمی، سازائی، اخوانی و بداران بین المللی آنها امپریالیزم امریکا و کشورهای ناتو برداشته و اعمال ضد مردمی آن هار انزد مردم افشاء نمائیم. باید خاطر نشان سازم آن عده از نویسندگان و یا روشنفکران که در باره جنایات سوسیال امپریالیزم و نوکران خلقی و پرچمی آن قلم فرسائی میکنند ولی در افشای جنایات گسترده و بمباردمان های وحشیانه قوای اشغالگر

سکوت اختیار مینمایند، این خاصه روشنفکران بورژوازی وابسته و عقیم است. در غیر آن چه فرقی بین جنایات سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم امریکا و قوای نا تو وجود دارد. این دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست کسانی که در برابر جنایات گسترده امپریالیسم جنایت کار امریکا، قوای ناتو و دولت دست نشانده کرزی سکوت نموده اند ویا مینمایند خواب رسیدن به مقام های بزرگ دولت دست نشانده را در سر می پروراند و تلاش می کنند تا به آن دست یابند. بسیاری از این تسلیم طلبان به مقام های وزارت، معینیت ریاست، کارشناس و مشاوریت هم رسیده اند و باسرا ن و اعضای گروه های میهن فروش، جنایتکار و قاتل مردم برسرخوان نعمت امپریالیسم امریکا و ناتو نشسته اند. جای تعجب اینست که آنها این تسلیم طلبی و نوکر منشی شان را به امپریالیسم و دولت دست نشانده توجیه تئوریک نموده، آنرا خدمت به خلق جلوه میدهند. بگفته بزرگ مردی: "یک نفر را میتوان یک روز فریب داد و چند نفر را میتوان چند روز فریب داد، اما همه مردم را نمیتوان همه وقت فریب داد" اما متیقن هستیم همانطوری که رژیم دست نشانده خلق و پرچم سقوط نمود دیر یازود دولت دست نشانده کرزی نیز با تمام پشتوانه و زرادخانه بین المللی آن سقوط نموده و به زباله دان تاریخ مدفون میگردد؛ و چنانکه داغ ننگ و نفرین بر پیشانی باندهای خلقی- پرچمی، سازائی، اخوانی حک شده است، برجبین این تسلیم طلبان و وطن فروشان نیز حک گردیده و ثبت اوراق تاریخ میشود.